



## نگاهی به فیلمنامه‌ی آثار طنز و کمدی در ایران فیلمنامه به شرط خنده

### الناز دیمان

نگارش باید تمام حواسشان را جمع کنند تا مبادا به حوزهای حساسیت برانگیز نزدیک شوند یا تابوشکنی کنند. شوخی با هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند تبعات داشته باشد، مردم ایران علاقه‌ی ندارند با شغل، موقعیت، قومیت، خلق و خو و یا عاداتشان شوخی شود؛ از این جهت مردم ما در مقایسه با کشورهای دیگر دارای آستانه‌ی تحمل بسیار پایینی هستند. با توجه به شرایط مذکور اگر فیلمنامه‌ی در ایران بتواند از خوان‌های متعدد با سر سلامت بگذرد و به مرحله‌ی ساخت و پخش برسد، حتی با وجود تأیید وزارت ارشاد و دریافت پروانه‌ی نمایش هم هیچ عجیب و یا دور از ذهن نیست که با قطاری از شکایت‌نامه‌ها از سوی افراد یا ارگان‌ها روبه‌رو شود.

### ژانر کمدی در سینمای ایران

برگردیم به بحث اصلی یعنی رواج کمدی کلامی در ایران و چرایی آن؛ علاقه‌ی مردم ایران به طنز کلامی دارای پیشینه‌ی تاریخی است و ریشه‌های آن را می‌توان در نمایش‌های سیامبازی و روحوضی پیگیری کرد. مردم ما به مزه‌پرائی‌های کلامی بیش از طنز موقعیت علاقه‌مندند (زمان اگران فیلم مارمولک دوستی شهرستانی گفت که صدای مارمولک خیلی زودتر از خود قیلیم به شهرشان رسیده!) تا طنز موقعیتی که ایده‌ی لوسی و بدتر از آن اجرای ناموقی داشته باشد؛ نمونه‌ی بارز، فیلم «قاعده‌ی بازی» است که به ادعای کارگردانش ادای دینی بوده به کمدی کلاسیک اما در عمل پر شده است از اجزای نجسب و درنیامده‌ی ایده‌های کهنه و تکراری صحنه‌هایی در حد پرت شدن آقایان در حوض و اصابت کیک به صورت آدم‌ها! دلیل دیگر گرایش سینمای ایران به کمدی کلامی تبحر و تخصص فیلمنامه‌نویسان فعال در عرصه‌ی طنز در زمینه‌ی شوخی‌های کلامی خنده‌آور است. نویسندگان فعالی چون «بیمن قاسم‌خانی»، «فرهاد توحیدی»، «ایرج طهماسب» و ... تأکید بیش‌تری بر به‌کارگیری طنز کلامی دارند و در آثارشان روح طنز را با استفاده از کلام وارد آرایش عناصر روایی فیلمنامه می‌کنند و تا به امروز کارنامه‌ی موفقی هم داشته‌اند؛ آثار موفقی همچون «مارمولک»، «دنیا»، «تان و عشق و موتور ۱۰۰۰» و «زیر درخت هلو». فیلم مارمولک پر است از شوخی‌های کلامی بامزه که به واسطه‌ی حضور خیره‌کننده‌ی بازیگر اصلی‌اش ایده‌ی اولیه‌ی هیچ کدام از دست رفته محسوب نمی‌شود. توالی وقوع رویدادها در این فیلم طوری طراحی شده که همانند یک فیلم کمدی ساده همه چیز قابل پیش‌بینی نباشد قاسم‌خانی قبلاً هم در کارهایی دیگر مانند مجموعه‌ی تلویزیونی «پاورچین» و «شب‌های برره» و پس از آن‌ها درام تا حدی معمای «ققاب» ثابت کرده بود که علاقه‌مند به پیش‌بینی‌های داستانی و گرافیکتی در فیلمنامه است و کمدی را چیزکی پیش‌پاافتاده و دم‌دستی و عاملی برای بیرون کشیدن پول از جیب تماشاگر نمی‌داند - اتفاقی که در سال‌های اخیر

فیلمنامه‌ی فیلم‌های طنز همواره با چالش‌هایی به نام طنز موقعیت و طنز کلامی روبه‌رو بوده و طنز نویسان ما متهم هستند که همیشه ساده‌ترین راه را برای خندانن مخاطب که همان طنز کلامی است برمی‌گزینند و مرتبه‌ی طنز فاخر را تا حد پرداختن به جملات هجوآمیز پایین می‌آورند منتقدانی که طنز کلامی را در رتبه‌ی بسیار پایین‌تر از طنز موقعیت می‌دانند بر این اعتقادند که نویسندگان طنز با تنبلی در خلق موقعیت طنز در فیلمنامه دست به دامان کلام شده و به این ترتیب سطح سلیقه‌ی مخاطب را به سمت پسرقت سوق می‌دهند، حال آن‌که عده‌ی از همین نویسندگان معتقدند از معدود رامه‌ای خندانن مخاطب ایرانی مزه‌پرائی‌های کلامی، تعریف کردن جوک و شوخی‌های پداه‌پردازانه‌ی خود با یگران برای ایجاد موقعیت طنزآمیز است.

### طنز کلامی و موقعیت در سینمای کمدی

ژانر کمدی مانند دیگر ژانرهای سینمایی، بدون کلام و صامت متولد شد. این ژانر در ابتدا مبتنی بر طنز موقعیت بود؛ فیلم‌های شبیه به آثار «اسلپ‌استیک» که پر بودند از زد و خورد‌های فیزیکی و آدم‌های کپه‌وش و چلمنی که به خاطر داشتن همین خصیصه‌ها دایم با مشکلات طنزآمیز دست به گریبان بودند و به این شکل اسباب تفریح و خنده‌ی مخاطب کم‌توقع آن دوره را فراهم می‌آوردند، اما با گذشت زمان و تولد صنا و دیالوگ در سینما شوخی‌های کلامی در فیلم‌های کمدی رواج یافتند تا جایی که در سینمای کمدی امروز نمی‌توان فیلمی را بدون مزه‌پرائی‌های شخصیت‌های خنده‌آور تصور کرد. واقعیت این است که طنز نوع دوم در شکل جدید به مراتب از طنز موقعیت کم‌درستر است زیرا نه نیازی به ایده‌های ابتکاری دارد و نه هزینه‌ی سنگینی را می‌طلبد، در نتیجه ساده‌تر و سهل‌الوصول‌تر است، اما آیا این سادگی دلیل بر پیش‌پاافتادگی هم هست؟

این که طنز کلامی در مقابل برادر بزرگ‌تر خود از عمق و غنای کم‌تری برخوردار است درست؛ ولی بیان این مطلب که فیلمنامه‌نویسان ما از نوشتن تصویر و صحنه ناتوان‌اند و از این روست که به کلام رو آوردند هم خیلی منصفانه نیست، چرا که نوشتن شوخی‌های کلامی که فترت خندانن داشته باشند کار سهلی نیست؛ البته باید بپذیریم که نوشتن فیلمنامه‌ی کمدی برای مخاطب ایرانی که به تماشای فیلم‌های عبوس سینمای ما عادت کرده و خیلی سخت به خنده می‌افتد اصولاً کاری دشوار و پیچیده است. از جهت دیگر نویسندگان فیلمنامه‌های طنز در ایران با محدودیت‌های بسیاری مواجه‌اند و نشکستن خط قرمزها اولویت اول کارشان محسوب می‌شود. فیلمنامه‌ی طنز در ایران حساسیت‌برانگیز است و اگر در سایر کشورها فیلمسازان با استفاده از ملاحظت طنز به راحتی به نقد شرایط اجتماعی و سیاسی کشورشان و بیان صریح و در عین حال ملایم دغدغه‌هایشان می‌پردازند، در ایران فیلمنامه‌نویسان موقع

# طنازی و انتقادپذیری

محمد طاهری

در همه جای دنیا طنز با مضامین و قالبهای خاص خود مورد استفاده نویسندگان و متفکران قرار می‌گیرد. عده‌ی طنز را تنها برای خنداندن انسان‌ها به کار می‌گیرند و عده‌ی دیگر آن را وسیله‌ی برای به تفکر واداشتن آنان در برابر موقعیت‌های مختلف اجتماعی می‌پندارند که البته مقصود و منظور این نوشتار همان نوع دوم است. بنا به یک تعریف، طنز شلیک به طرف نابسامانی‌ها و بحران‌های اجتماعی است و طنزنویس وظیفه دارد با موشکافی دقیق آن‌ها ماهیستشان را به زبان طنز بیان کند؛ اما فارغ از این که طنزنویس در رسالت خود موفق و یا ناموفق باشد، در اغلب اوقات این انتقادات مطایبه‌آمیز با واکنش‌های تند و همراه است. در ایران نیز گاه چنین واکنش‌هایی در قبال مطالب طنزی که در قالب مقاله یا فیلم و ... منتشر می‌شود صورت می‌گیرد. گرچه هنر طنزنویس آن است که کنایه‌ی خود را به شکلی نامحسوس و غیرمستقیم بیان کند، اما مهم‌تر از لحن طنزنویس، روحیه‌ی فرد و یا گروهی است که مورد خطاب طنزنویس بوده و باید به نوعی پذیرنده‌ی انتقادات صورت گرفته باشند. متأسفانه در کشور ما بیشتر افراد فاقد روحیه‌ی نقدپذیری هستند و اغلب در برابر انتقادات (چه به‌جا و چه نابه‌جا) موضع می‌گیرند و در مواردی حتی درصدد سرکوب طنزنویس نیز برمی‌آیند! حال این سؤال پیش می‌آید که چرا ما انتقادپذیر نبوده و حاضر به پذیرش ایرادات اخلاقی و رفتاری خود نیستیم؟ برای پاسخ به این پرسش باید جوانب متعدد قضیه را در نظر گرفت.

در یک نگاه کلی، انسان همیشه از رویارویی با حقیقت هراس دارد، به خصوص که این حقیقت علیه او باشد؛ داشتن روحیه‌ی خودمحو و متبکر نیز بر این ترس می‌افزاید و موجب می‌شود که او در برابر هر نوع انتقادی (چه به زبان شوخی و یا جدی) تاب تحمل نداشته و سریع درصدد واکنش برآید. یکی دیگر از دلایل انتقادناپذیری، عدم اعتماد به نفس است. کسی که اعتقاد دارد کارش را درست انجام داده و انتقاد دیگران را از خود کجایز می‌داند در مواجهه با آن (حتی اگر به زبان طنز بیان شود) سعی می‌کند با زبان نرم و ملایم برخورد کرده و بدون به راه انداختن هیاهو، ضمن تعامل با منتقدان، به یک تفاهم دوجانبه برسد. اما کسی که اعتماد به نفس لازم را ندارد، بدون سنجش جوانب و توجه به عواقب تندی، به انتقاد شدید و کوبنده از منتقد روی آورده و گاه حتی در پی جبران برمی‌آید. اصولاً هنگامی می‌توان از یک فرد توقع انتقادپذیری داشت که خود او در درونش خویشتن را نقد کند و پیش از آن که دیگران درصدد خرد کردن او برآیند شخصاً به اصلاح رویه‌ی خویش اقدام کند. از جهت رسانه‌ی نیز طنزنویس موظف است معضلات اجتماعی را یادآور شده و با سلاح طنز آن‌ها را به زیر سؤال ببرد، اما اگر قرار باشد که هر گروه یا صنف و یا جریان فکری به محض مواجه گردیدن با مطلبی طنزآمیز برآشفته شده و راه تلافی یا شکایت را در پیش گیرد، گویی انتقاد طنزنویس چندان هم پربیزاه نبوده و در این مواقع برقراری تعامل با صاحبان افکار مخالف و داشتن سعه‌ی صدر می‌تواند راهگشای خوبی باشد. کوتاه آن که کارشناسان امر بر این باورند که انتقاد سازنده و توجه به آن باعث پیشرفت می‌شود و کم‌طاقتی و برآشفتگی در برابر انتقادات نه تنها هیچ حاصلی نداشته، که به نوعی بی‌منطقی و بی‌تدبیری انتقادشونده را به اثبات می‌رساند. واکنش‌های تند، غیرمعمول و کینه‌توزانه‌ی برخی از افراد، گروه‌های اجتماعی و عده‌ی از مسئولان در قبال فیلم‌ها، مجموعه‌های تلویزیونی، مطالب طنز و کاریکاتورهای گواه ظرفیت پایین انتقادپذیری در جامعه‌ی ماست که امیدواریم با سعه‌ی صدر، مطالعه و تجربه‌ی بیش‌تر رو به رشد گذارد.

رخ داده و سیل کمدی‌های بی‌مایه و نازل به سینمای ایران هجوم آورده است. فرهاد توحیدی هم در فیلم‌های دنیا و «مرد عوضی» با استفاده‌ی مناسب از عناصر کمیک در روایت داستان‌هایی ساده و حتی تکراری و با نوشتن گفت‌وگوهای جذاب، فکر شده و متناسب با حال و هوای طنز فیلم، آن‌ها را به آثاری بالارزش‌تر از کمدی‌های سری‌دوزی‌شده‌ی این روزها تبدیل می‌کند؛ کاری که «ابراهیم وحیدزاده» در دهه‌ی ۶۰ و اوایل دهه‌ی ۷۰ با نگارش فیلمنامه‌ی فیلم‌هایش «تحفه‌ها» و «مجسمه» انجام داده بود. از دیگر فیلم‌های موفق غیر کلاسیک کمدی می‌توان به «مهمان مامان» و «اجاره‌نشین‌ها» اشاره کرد؛ البته اجاره‌نشین‌ها را باید به نوعی محصول مشترک طنز موقعیت و کلامی دانست. اتفاقی که در مهمان مامان نمی‌افتد و فیلم بدون اتکای به اجرای موفق بازیگرانش در ادای گفت‌وگوهای طنزانه‌اش بدون شک در خنده گرفتن از مخاطب با مشکل مواجه می‌شد.

## نیاز مخاطب

نوشتن فیلمنامه برای فیلم‌های کمدی نیازمند ذوق و قریحه‌ی خاصی است. شاید چیزی شبیه به آن چه کاریکاتوریست‌ها نیاز دارند؛ در ظاهر بین این دو هنر تفاوت‌های عمده‌ی هست، اما در عمل لازمه‌ی خلق طنز چه از نوع نوشتاری و چه از نوع تصویرسازی‌اش داشتن استعدادی ذاتی است. حقیقت این است که همه‌ی ما دارای طبع طنز نیستیم و در نتیجه قادر به خلق لحظات طنزآمیز به اشکال مختلف هم نخواهیم بود، در حالی که فیلم‌نامه‌نویسان طنز با بهره‌گیری از این استعداد وجودی‌شان می‌توانند لحظاتی شاد و جذاب بیافرینند.

اگر به جدول فروش فیلم‌ها در سال‌های اخیر نگاهی بیندازید، خواهید دید که از ۵ فیلم پرفروش صدر جدول دست کم ۳ فیلم متعلق به سینمای کمدی بوده و این استقبال مخاطب سینما رو به معنی آن است که افراد جامعه‌ی ما نیاز به خنده و شاد بودن دارند؛ نیاز به ساعتی آرامش‌بخش و مفرح فارغ از تمام مشکلات و درگیری‌های زندگی روزمره، اما متأسفانه برخی سینماگران و تهیه‌کنندگان از این نیاز فطری مخاطب امروز سینما به شکل افراطی در حال بهره‌برداری سودجویانه هستند و با تولید هر بنجل خوش‌آب و رنگی به نام فیلم کمدی تماشاگر را به سینما می‌کشاند و به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند هنر سینماست. در همه جای دنیا وقتی گونه‌ی سینمایی با توفیق و استقبال مردم مواجه می‌شود، سینماگران به تکاپو می‌افتند که چگونه با استفاده از چه تدبیری در راه ارتقای هرچه بیش‌تر آن گونه‌ی سینمایی گام بردارند تا هم میزان رضایت مخاطب را بالا ببرند و هم گیشه‌ی موفق داشته باشند؛ در واقع با افزایش کیفیت آثار تولیدی‌شان، به نوعی فروش آن‌ها را در گیشه هم تضمین می‌کنند. این فرمول هوشمندانه منصفانه‌ترین و بهترین راه رسیدن به مقصود است؛ راهی که در آن هم حیات اقتصادی و هم وجهه‌ی هنری سینما در نظر گرفته شده و فهم مخاطب دست پایین گرفته نمی‌شود، ولی سینمای کمدی ایران با سرعتی نجومی در جهت عکس ایده‌آل ذکر شده در حال سقوط است، سقوطی که اول از همه به ضرر همان‌هایی خواهد بود که در حال حاضر از فروش بالای فیلم‌های بی‌مایه‌شان شاد و کیفور هستند!